

بر اساس قوانین اسکار باید نهاد سینمایی هر کشور از سوی سینمای وطن‌شان، فیلم‌های منتخب خود را به آکادمی ارائه کند. در ایران این وظیفه از ۱۹۹۳ بر عهده بنیاد سینمایی فارابی است



### یک سال بدون نماینده

که زنانش را به آوارگی از خانه مجبور می‌کند و در جای جدید به آنها تجاوز می‌شود و این هم امری طبیعی است که مرد ایرانی فیلم باید تاب آورده و در قبال تجاوز حتی نباید سیلی به متجاوز بزند! پس از این پیروزی البته فقط برای فرهادی، نه مردم ایران، «نفس» اثر نرگس آبیار در سال ۲۰۱۷ ارسال شد، فیلمی ضد جنگ و ضد فرهنگ ملی مذهبی با تمسخر زنان سنتی و آداب مسلمانی در ایران، «بدون تاریخ، بدون امضا» ی جلیل‌وند، «در جست و جوی فریده»، «خورشید»، «قهرمان» و «جنگ جهانی سوم» آثار سال‌های بعد تا به امروز که «نگهبان شب» با همین فرمان در حال پیمودن مسیر اسکار است، انتخاب شده‌اند.



### و حالا «نگهبان شب»...

عروسی پای صندوق رفته و تصویرشان در تلویزیون برای تبلیغ مشارکت مردم در انتخابات پخش می‌شود، رسول و همسر ساده‌دلش از مهندس برای هماهنگی این اتفاق و پخش تصویرشان ممنون هستند و نمی‌دانند که مهندس برای منفعت خودش این اتفاق را رقم زده است. بدیهی است که مهندس هم نمادی از دولت‌مردان جمهوری اسلامی است، در این نظام فساد در حدی است که می‌توان رسولی که فریب مهندس را خورده و پشت چکش را امضا کرده است با سه میلیون تومان در ازای چکی ۱۰ میلیاردی که او امضا کرده است، خرید و آزادش کرد. در تصاویر قبل تر صحنه‌هایی از دادگاه طبری را دیده بودیم و این صحنه و فحش و فحش سیستم قضا ارجاع و شاهد مثالی است برای همین موضوع و فساد قوه قضائیه.

رسولی شخصیتی است که نمازخوان و متعهد به صاحب عمارت است و حتی مراقب دزدان است که شب‌ها وسایل ساختمان نیمه‌تمام را نذرند (البته که دزدان همان کارگرانی هستند که حقوق‌شان را دریافت نکرده‌اند)، با توجه به کلیت داستان و زیرمتن آن، معنای این صحنه‌ها هم این است که، حتی برای نیروهای مخلص تان هم دیگر دست‌تان رو شده است و آنها به شما اعتماد ندارند و می‌خواهند به سوی آینده پرواز کنند آن هم با یادگار کشته‌ها، حتی اگر این یادگار خودش چیزی از گذشته به یاد نداشته باشد. با توجه به این زیرمتن از ریاست بنیاد فارابی بعید است که فقط برای گرفتن تشویق از سوی قله سینمای غرب بخواهد چنین نماینده‌ای را برای دیدن جهان از اتفاقات داخل ایران ارسال کند، آن هم وقتی که به انتخابات دوازدهمین دوره مجلس نزدیک می‌شویم.

بر اساس قوانین اسکار باید نهاد سینمایی هر کشور از سوی سینمای وطن‌شان، فیلم‌های منتخب خود را به آکادمی ارائه کند. در ایران این وظیفه از ۱۹۹۳ بر عهده بنیاد سینمایی فارابی است. امسال فیلم نگهبان شب ساخته رضا میرکریمی که نویسنده‌ی کارگردانی و تهیه‌کنندگی فیلم را هم بر عهده دارد، نماینده ایران در اسکار است. متأسفانه تغییر دولت‌ها باعث نشده است که روند فارابی در انتخاب فیلم‌های نماینده ایران تغییر کند و مانند سال قبل که فیلم جنگ جهانی سوم را برای اسکار ارسال کرد، فیلم نگهبان شب را که محتوایی ضد نظام جمهوری اسلامی ایران دارد، انتخاب کرده است.



اگر بخواهیم به صورت اجمالی این فیلم را نقد کنیم، باید به نشانه‌های موجود در تصویر بیشتر دقت کنیم، جایی که بنر تبلیغاتی روی ساختمانی نیمه‌کاره است، درختی که سوخته به دست رسول (تورج الوند) کارگر شهرستانی ترمیم می‌شود، همین ساختمان نیمه‌کاره هم با حقوق معلمان ساخته شده است و پیرمردی که

فرزند چترباش را از دست داده، حال به جای فرزندش که حین خدمت از دست رفته است، با چتر رسول می‌پرد و به آرزویش که پرواز با پسرش بوده، می‌رسد. ساختمان کنایه‌ای از ایران است و درخت قدیمی که ریشه‌اش سوخته، نمادی از رژیم قبل که می‌توان ریشه‌اش را ترمیم کرد چون حرمت دارد و این ریشه به دست رسولی ترمیم می‌شود که پاک و درستکار است و خودش از ظلم مهندس صاحب این عمارت (محسن کیایی) به تنگ آمده و از او ضربه خورده است. در صحنه‌ای که انتخابات را می‌بینیم، برگه سفید داخل صندوق می‌اندازند و رسول و همسر کروالکنش بالباس



سال ۲۰۱۲ که طبق آنچه گفته شد، نماینده نداشتیم و سال بعد باز هم اثری از فرهادی اما این بار نه در ایران، بلکه در لوکیشن‌های کشور فرانسه؛ قاب‌های تنگ فرهادی در جدایی به قاب‌هایی زیبا از نمایش زندگی چون کارت پستال‌های قدیمی تبدیل شده بود. این فیلم اما چون سیاه‌نما نبود حتی در بخش مسابقه هم پذیرفته نشد.